

روى خط خبر

وزیر کار و رفاه اجتماعی:

بیمه‌های درمانی ار دبیشت امسال یکسان می‌شود

شهروند | خدمات و ضوابط بیمه‌های پایه درمانی یکسان می‌شود. همچنین ار دبیشت امسال چگونگی انجام موضوع بسته خدمات درمانی یکسان در قالب بخشنامه اعلام می‌شود. علی‌رغم وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اعلام این مطلب گفت: موضوع بیمه‌ها در برنامه‌ریزی‌های رفاهی دولت از جایگاه خاصی برخوردار است و خوشبختانه دولت ساز و کار آن را برنامه‌ریزی کرده، مبارزه با نابرابری‌ها و انواع فقر را بر پایه بیمه استوار کرده‌است.

ادامه داد: فکر می‌کنم سیاست رفاهی دولت تدبیر و امید می‌تواند فصل مهمی میان این دولت و سایر دولت‌ها باشد. تاکنون برای انواع بیمه‌ها برنامه‌ریزی داشته‌ایم که مهم‌ترین آن حوزه بیمه درمان است. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: خوشحالم اعلام کنم امروز هیچ ایرانی وجود ندارد که برای داشتن دفترچه اقدام کرده و دفترچه یا کارت خدمت درمان نگرفته باشد. ربیع‌ی افزود: من در اواخر فروردین سال گذشته اعلام کردم که افراد می‌توانند برای دریافت دفترچه بیمه سلامت ثبت‌نام کنند و در نزدیک پایان سال ۹۳ بیش از هشت میلیون نفر ثبت‌نام کردند و حالا در شرایطی قرار گرفتیم که هر ایرانی که سواد کند می‌تواند دفترچه بیمه سلامت بگیرد. او گفت: امروز انواع سازمان‌های بیمه‌گر در کشور داریم، سازمان‌هایی که بر اساس وظایف و اختیارات قانونی خود به امر بیمه مشغولند و دولت مجاز است ادغام بیمه‌ها را انجام دهد اما ادغام، موانع ساختاری مفصلی دارد به‌عنوان مثال پرداخت‌هایی که صورت می‌گیرد یکی از موانع اصلی به شمار می‌رود. کار گزار بیشتر این موانع را برطرف می‌کند و بیمه‌ها را به هم می‌آورد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: بیمه همگانی خدمات درمانی اصلاحی بر پرداخت نمی‌کنند. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه داد: در دستگاهها و وزارتخانه‌های مختلف بیمه‌های متفاوتی وجود دارد که تقریباً با استانداردهای اندازه‌های مختلف دریافت می‌شود هدف قانونگذار در این مورد این بوده که بیمه‌ها رفاری یکسان داشته باشند. ربیع‌ی افزود: در آریبشت سال جاری چگونگی انجام موضوع بسته خدمات درمانی یکسان اعلام می‌شود. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی همچنین از مزایای بیمه‌های مختلف برای انواع بیمه‌ها خبر داد و گفت: در مرحله اول کمیته یکسان‌سازی خدمات بیمه‌ها از حدود نیمه سال ۹۴ در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی آغاز به کار کرد.

او تصریح کرد: اکنون ضوابط خدمات سرپایی و ضوابط تجهیزات پزشکی، مفاد قراردادها، اسناد، بستری و آبنامه‌های نحوه پرداخت یکسان شده است. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان رئیس شورای عالی بیمه اشاره کرد: در مرحله بعد این موارد را به بیمه‌ها تسری خواهیم داد و برای اجرا این کمیته و در بخش بیمه پایه استناد نیز به یک شکل بررسی می‌شود. ربیع‌ی افزود: دولت تدبیر و امید ساز و کار بیمه‌ای را برای پاسخ به مسائل خود انتخاب کرده که دستاوردهای جامعه بشری به آن دست یافته‌اند که روش درستی است. او تصریح کرد: در سال ۱۳۹۴ در کمیسیون‌های اجرایی رفاه، بیمه‌های اجتماعی از نیز بررسی کردیم که شاید در آن جایز نتوانیم نظام یکسان را در نظارت تأمین اجتماعی بیابیم بلکه باید سبدهای انواع بیمه‌ها را به این کنیم که هر شخص به هر میزانی که دستمزد دارد بتواند از یک نوع بیمه اجتماعی بهره‌مند شود. به این ترتیب که می‌خواهیم دو، سه نوع دیگر بیمه‌ها را به این ترتیب که حداقل دستمزد تعریف کنیم به این معنا که ایرانیان می‌توانند در یک بسته از بیمه اجتماعی متنوعی برخوردار باشند تا بر اساس میزان در آمد خود این بیمه‌ها را خریداری کنند

● ● ●

آغاز ثبت دوربینی و ردغیر مجاز به محدوده زوج و فرد از امروز

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی از آغاز ثبت تخلف ورود خودروهای غیرمجاز به محدوده زوج و فرد به وسیله دوربین‌ها از امروز خبر داد. سیدتیمور حسینی در این باره به ایسنا گفت: پیش از این قرار بود تخلف ورود غیرمجاز به محدوده زوج و فرد در روزهای پایانی سال ۹۳ به وسیله دوربین‌ها ثبت و اعمال قانون شود، اما به دلایلی آغاز این طرح به ۲۲ فروردین ماه موکول شد و بر این اساس از صبح شنبه ۲۲ فروردین تمامی خودروهای غیرمجاز که وارد محدوده زوج و فرد شوند به وسیله دوربین‌ها اعمال قانون خواهند شد. رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ بیان این که در تمامی مسیاری ورودی طرح زوج و فرد همانند طرح ترافیک دوربین‌های کنترلی و نظارتی نصب شده است، گفت: بر این اساس هر یک از خودروها در صورت ورود غیرمجاز به محدوده زوج و فرد ۲۰ هزار تومان جریمه خواهند شد و البته این مبلغ جریمه تنها برای یکبار در روز نیست و خودروهای غیرمجاز به ازای هر باری که در زمان‌های مختلف از مقابل دوربین‌ها عبور می‌کنند ۲۰ هزار تومان جریمه خواهند شد. حسینی از حضور نداشتن مأموران در مسیاری ورودی زوج و فرد خبر داد و گفت: با آغاز به کار رسمی فعالیت دوربین‌ها دیگر مأموران با ماز مبادی زوج و فرد مستقر نخواهند شد و اعمال قانون به وسیله دوربین‌ها انجام می‌شود.



عکس‌ها: سعید غانمی/شهر واد

گزارش «شهروند» از زندگی و پوشش زنان ورزنه، شهر پنبه و آفتابگردان

سفیدترین شهر ایران دیگر سفید نیست

در زندگی مردم این منطقه می‌باشد. زنان چادر سفید ورزنه آن قدر منحصربه‌فرد هستند و این چادر سفید یک‌دست آنها آن قدر متفاوت هست که چند سالی است که به یکی از جاذبه‌های گردشگری ورزنه تبدیل شده است. کم نیستند گردشگرانی که پس از دیدار از اصفهان در مسیری که به کویر مرجاب می‌رسد، در این شهر توقف می‌کنند تا زنان چادر سفید را که پیش از این در تصاویر و عکس‌ها دیده‌اند، این بار در دنیای واقعی ببینند. به همین دلیل هم هست که برای بسیاری از مردم ورزنه، چادر سفید تنها پوششی برای زنان این شهر نیست، هویت فرهنگی است؛ سنتی است که روی آن تعصب دارند، تعصب به‌عنوان «میراث فرهنگی زنده».

«محمد»، یکی از آنهاست او را همسر و دخترش در راه مسجد ورزنه همراهی می‌کنند. «محمد» می‌گوید: «من واقعا می‌دانم روزی برسد که زنان ورزنه چادر سفید را کنار بگذارند، البته در زندگی رسمی مخصوصا دانشگاه و مدرسه واقعا برایمان سخت است، من می‌فهمم که نمی‌توانند با چادر سفید دانشگاه برود اما داخل شهر ورزنه که می‌توانند، سفید بپوشند. زمانی بود که اصلا در ورزنه چادر سفید سر کردن بد بود، مردم بد می‌دانستند که سیاه می‌پوشید، انگشت‌نمای شهر می‌شد، الان اما نه آن قدر چادر سفید زیاد شده‌اند که آدم نگران می‌شود که اصلا تا چند سال دیگر، سفید پوشیدن ورزینیست».

این روزها در ورزنه اکثریت سفیدپوش این شهر از زنان می‌باشد و سفید، نشانه‌ی شکل می‌دهند و جوان‌ترها تنها در برخی مناسبت‌ها و مراسم رسمی مثل همایش چادر سفیدها، چادر سفید سر می‌کنند، در زندگی روزمره زنان جوان اما چادر سفید سر کردن جایی ندارد. «محمدعلی کوشا»، مرد شناس و متخصص مطالعات فرهنگی معتقد است که نابودی خردفرهنگ‌ها و همچنین آداب و رسوم سنتی در پوشش و سبک زندگی در شهر کوچک مثل ورزنه ناشی از تأثیر فرهنگ غالب زندگی شهری و همچنین نتیجه نفوذ گسترده رسانه‌هاست: «رسانه‌ها در این نابودی خردفرهنگ‌ها و همچنین تغییر سبک زندگی و همچنین پوشش بسیار موثر است. رسانه‌های داخلی که اصلا در فیلم‌ها و سریال‌ها مشخصا سبک زندگی شهری آن هم زندگی در کلانشهرها را بازتاب می‌دهند و ماهاوراها و سریال‌ها و برنامه‌ها را خارج می‌کنند که سبک زندگی آمریکایی و اروپایی را. الان شما وقتی وارد روستاهای کوچک هم می‌شوید، می‌بینید که دیش ماهواره روی بام‌ها نصب است، طبیعی است که جوان‌ترها تحت تأثیر رسانه‌ها هم سبک زندگی‌شان را به‌طور تدریجی و تا جایی که عرف جوامع کوچک محلی کنش دارد، تغییر می‌دهند یا از شهرهای کوچک و روستاها به شهرهای بزرگ مهاجرت کنند».

به گفته «کوشا»، با توجه به این که الان در ورزنه بیشتر زنان سالخورده، چادر سفید سر می‌کنند، این خط و وجود دارد که سفیدپوشی در این شهر در آینده به تدریج و به زوال بگذارد و پوشش مدرن و نزدیک‌تر می‌شده می‌توان چادر سفیدها را به نوعی بازمانده‌گانی از سنت‌های مذهبی باستانی ایران دانست. خلیلی می‌گوید: «اصولا شهرهای شرقی اصفهان و از جمله ورزنه پس از ورود اسلام به اصفهان به مناطقی مهاجر پذیر تبدیل شدند و بسیاری از رشتیان از اصفهان به این منطقه مهاجرت کردند و این‌طور به نظر می‌رسد که ورزنه تا مدت‌ها یکی از نقاطی بوده که فرهنگ و مذهب رزشتی را حفظ کرده بود». به اعتقاد او شاهد دیگر این ادعا گویش مردم ورزنه است. گویش که در آن کلمات و عباراتی با مانده از زبان اوستایی هنوز هم رایج است و نشان فرهنگ قدرت و نفوذ فرهنگ ایران باستان

نمی‌پوشند. خیلی کمند مردانی که زانسان را شوقی کنند سفید سر کنند». مدیر «انجمن دوستداران شهر ورزنه»، به «شهروند» می‌گوید، فرهنگ مردم در ورزنه در حال تغییر است: «خیلی چیزها تغییر کرده البته جوامع محلی نسبت به جوامع شهری نسبت به تغییرات فرهنگی مقاومت تر هستند اما چون در ورزنه سطح تحصیلات بالا رفته و دانشگاه آمده، سرعت تغییرات اجتماعی هم بیشتر شده. تا چند سال پیش در شهر همه زنان بدون استثنا سفید می‌پوشیدند، الان اما زنان تحصیل کرده‌اند، فرهنگ‌های جدید را سریع‌تر قبول می‌کنند و سبک زندگی و انتخاب‌هایشان الزاما تابع سنت نیست و بیشتر از الگوهای شهری پیروی می‌کنند».

شاید همه اینها

در باره این که چرا زنان در ورزنه از پارچه چلوار ساده، چادر می‌دوزند این چادرهای سفید را سر می‌کنند و این که چطور زنان در این منطقه پوششی کمالاتفاوت مشابه آن وجود ندارد، جواب‌ها و در واقع باید گفت روایت‌های زیادی وجود دارد، عدای می‌گویند که این پوشش یعنی سفیدپوشی، به اندازه تاریخ ورزنه قدمت دارد و عده دیگری گرامی او را دلیل اصلی رواج این رنگ و غلبه آن در پوشش زنان این شهر می‌دانند. شهری که دمای هوا تابستان‌ها تا ۴۵ درجه هم می‌رسد، به نوشته سیروس شفق، نویسنده کتاب جغرافیای اصفهان: «این سبک زندگی ورزنه بدون استثنا چادر سفید سر می‌کنند به دلیل گرمای شدید تابستانی است. عقیده بعضی بر این است که چون از زمان‌های گذشته ورزنه محل کشاورزی و کشت پنبه بوده است، چادر و لباس سفید از نخ پنبه‌ریزی مردم این شهر رایج است».

افراد غریبه و به قولی نامحرم یک‌چرا که چادر سفید استفاده می‌کردند و این یک‌دست‌ها در پوشش سفید به آنها کمک می‌کرده که یکسان به نظر برسند. دیار روحامیون زرتشتیان بوده است و روحامیون زرتشتی لیبسی از پنبه می‌پوشیدند و نوار مقدسی در تشریفات مذهبی به گردن می‌آویختند که از جنس پنبه بوده است و رسم چادر سفیدان ورزنه هم میراث همان دوران سفیداست، بقیه می‌گویند اصلا چرا می‌گویی؟»

دختران ورزنه، بچه‌های نسل نولویز یون و ماهورا، اند. خیلی از آنها در ورزنه به دنیا آمده‌اند و در شهرهای دیگری در اصفهان و تهران دانشگاه رفته‌اند و بعد فقط هم چادر سفید، لباس سفید، مادرم پارچه لباس را خودش می‌بافت و می‌دوخت.

سفید، رنگ ورزنه است. نه فقط رنگ چادر زن‌ها، دور تا دور این شهر بر است از زمین‌هایی که انگار دست‌هایی ناشیانه روی آنها رنگ سفید پاشیده است. ورزنه‌ای‌ها، این زمین‌ها را پنبه کاشته‌اند و زن‌ها پنبه همین کشتزارها را می‌کشند به جان دوک‌ها می‌ریسند پنبه‌ها را تا نخ شسوند و نخ‌ها را می‌بافند و می‌بافند و می‌بافند... «هرا»، درهای یک خانه در میدان اصلی ورزنه را می‌گوید، جایی که می‌گویند زن خانه پارچه‌بافی می‌کنند، به شیوه سنتی، زن خانه، نامش «فاطمه» است. دوک نخ را از چرخ پنبه‌ریسی بیرون می‌کشند، چند پله را پایین می‌رود و از در کوچکی در انتهای حیاط وارد حیاط خلوتی می‌شود که سقفش را با یونولیت پوشانده‌اند، کف حیاط گودالی به عمق نیم متر و شعاع یک متر کنده‌اند و بالای این گودال سنگ‌هایی هست که زنان ورزنه‌ای به آن می‌گویند: «کارگاه». فاطمه پایش را در گودال می‌گذارد و روی لبه آن می‌نشیند، سبید

نخ‌هایش را می‌آورد، نخ را از داخل «ماکو» رد می‌کند و می‌فالتد لابه‌لای تارو پود «کارگاه». فاطمه «شانه» را روی تارهای پارچه می‌کشد تا پودها را محکم کند و بعد نوبت «جیغو» است. اهرم پر سر و صدای «کارگاه» که با کمک آن فاطمه خواب تارها را جا می‌کند تا کار بافتن را از سر بگیرد، حالا ۶۰ سالش است. از ۱۰ سالگی پارچه می‌بافت، پارچه برای لباس، است. از شده‌اند که سیاه‌پوشی در شهر کوچک ورزنه که تا چند سال پیش، آدم‌ها را انگشت‌نما می‌کرد، حالا یک مد جدید و نمادی برای شهری شدن و امروری شدن است. اصفهان را که به سمت جنوب شرقی بروی، چند کیلومتر مانده به تالاب گاوخونی، خانه‌های کوتاه‌قد کوبری پیدا می‌شوند با سقف‌های گنبدی و دیوارهای خشت و گلی که یک جا کنار هم، شانه به شانه، دیوار به دیوار بالا آمده‌اند و یک شهر را در میانه کویر ساخته‌اند: «ورزنه». در میان شن‌های روان کویر لوت، شهر کوچکی با زنان سفیدپوش و مزارع پنبه و گل‌های آفتابگردان.

ورزنه را اما نه به خاطر پنبه‌هایش و گل‌های آفتابگردان که به نشانی زنا می‌شناسند با چادرهای سفید. اصلا به خاطر همین چادرهاست که نام دیگر ورزنه، «شهر سفید ایران» است، به خاطر نوع پوشش همین زنانی که سراپا سفید می‌پوشند و چادر از چنان می‌گیرند که گاهی از تمام اجزای صورت‌شان جز یک چشم پیدا نیست.

در ورزنه کسی نمی‌داند که از چند سال پیش یا از چند نسل قبل زنان چادر سفید بر سر می‌کردند. خیلی از آنها، همین زنان سفیدپوش، حتی نمی‌دانند که چرا مادرها و مادر بزرگ‌های‌شان را از وقتی دیده و شناخته‌اند، چادر سفید بر سر داشتند، در خانه‌های‌شان، در کوچه و خیابان، وقتی برای نماز به مسجد کوچک شهر می‌روند و در همه احوال زندگی روزمره، چرا و چطور چادر سفید بپوشی از زندگی، بخشی از هویت و بخشی از فرهنگ آدم‌های ورزنه‌ای شد؟ خودشان می‌گویند: «چرا ندارد این سنت است، سنت».

«هرا»، دو ساعت مانده به ظهر در میدانی کوچک در ورزنه پیاده تند تند راه می‌رود، با چادر سفید و قدم‌هایی با فاصله‌های کوتاه. مادر سه فرزند است و پایه سن گذشته، آن قدر که رد و نشانش پیری روی پیشانی‌اش پیداست و وقتی می‌خندد چروک‌های ریزه چشم‌هایش حمله می‌کنند، اوست که می‌گوید: «چادر سفید سنت ماست؛ سنت مادری. تا بوده همین بوده، من که ۵۰ ساله از وقتی یادم هست، چادر سفید بوده، وقتی دختر خانه بودیم که فقط سفید می‌پوشیدیم، نه فقط هم چادر سفید، لباس سفید، مادرم پارچه لباس را خودش می‌بافت و می‌دوخت».

سفید، رنگ ورزنه است. نه فقط رنگ چادر زن‌ها، دور تا دور این شهر بر است از زمین‌هایی که انگار دست‌هایی ناشیانه روی آنها رنگ سفید پاشیده است. ورزنه‌ای‌ها، این زمین‌ها را پنبه کاشته‌اند و زن‌ها پنبه همین کشتزارها را می‌کشند به جان دوک‌ها می‌ریسند پنبه‌ها را تا نخ شسوند و نخ‌ها را می‌بافند و می‌بافند و می‌بافند... «هرا»، درهای یک خانه در میدان اصلی ورزنه را می‌گوید، جایی که می‌گویند زن خانه پارچه‌بافی می‌کنند، به شیوه سنتی، زن خانه، نامش «فاطمه» است. دوک نخ را از چرخ پنبه‌ریسی بیرون می‌کشند، چند پله را پایین می‌رود و از در کوچکی در انتهای حیاط وارد حیاط خلوتی می‌شود که سقفش را با یونولیت پوشانده‌اند، کف حیاط گودالی به عمق نیم متر و شعاع یک متر کنده‌اند و بالای این گودال سنگ‌هایی هست که زنان ورزنه‌ای به آن می‌گویند: «کارگاه». فاطمه پایش را در گودال می‌گذارد و روی لبه آن می‌نشیند، سبید



شیدلاملی

سفیدترین شهر ایران، حالا دیگر سفید نیست؛ ورزنه را می‌گویم، شهری که حالا سفید است و سیاه. زنان چادر سفید در میان زنان چادر سفید آن قدر زیاد شده‌اند که سیاه‌پوشی در شهر کوچک ورزنه که تا چند سال پیش، آدم‌ها را انگشت‌نما می‌کرد، حالا یک مد جدید و نمادی برای شهری شدن و امروری شدن است. اصفهان را که به سمت جنوب شرقی بروی، چند کیلومتر مانده به تالاب گاوخونی، خانه‌های کوتاه‌قد کوبری پیدا می‌شوند با سقف‌های گنبدی و دیوارهای خشت و گلی که یک جا کنار هم، شانه به شانه، دیوار به دیوار بالا آمده‌اند و یک شهر را در میانه کویر ساخته‌اند: «ورزنه». در میان شن‌های روان کویر لوت، شهر کوچکی با زنان سفیدپوش و مزارع پنبه و گل‌های آفتابگردان.

ورزنه را اما نه به خاطر پنبه‌هایش و گل‌های آفتابگردان که به نشانی زنا می‌شناسند با چادرهای سفید. اصلا به خاطر همین چادرهاست که نام دیگر ورزنه، «شهر سفید ایران» است، به خاطر نوع پوشش همین زنانی که سراپا سفید می‌پوشند و چادر از چنان می‌گیرند که گاهی از تمام اجزای صورت‌شان جز یک چشم پیدا نیست.

در ورزنه کسی نمی‌داند که از چند سال پیش یا از چند نسل قبل زنان چادر سفید بر سر می‌کردند. خیلی از آنها، همین زنان سفیدپوش، حتی نمی‌دانند که چرا مادرها و مادر بزرگ‌های‌شان را از وقتی دیده و شناخته‌اند، چادر سفید بر سر داشتند، در خانه‌های‌شان، در کوچه و خیابان، وقتی برای نماز به مسجد کوچک شهر می‌روند و در همه احوال زندگی روزمره، چرا و چطور چادر سفید بپوشی از زندگی، بخشی از هویت و بخشی از فرهنگ آدم‌های ورزنه‌ای شد؟ خودشان می‌گویند: «چرا ندارد این سنت است، سنت».

«هرا»، دو ساعت مانده به ظهر در میدانی کوچک در ورزنه پیاده تند تند راه می‌رود، با چادر سفید و قدم‌هایی با فاصله‌های کوتاه. مادر سه فرزند است و پایه سن گذشته، آن قدر که رد و نشانش پیری روی پیشانی‌اش پیداست و وقتی می‌خندد چروک‌های ریزه چشم‌هایش حمله می‌کنند، اوست که می‌گوید: «چادر سفید سنت ماست؛ سنت مادری. تا بوده همین بوده، من که ۵۰ ساله از وقتی یادم هست، چادر سفید بوده، وقتی دختر خانه بودیم که فقط سفید می‌پوشیدیم، نه فقط هم چادر سفید، لباس سفید، مادرم پارچه لباس را خودش می‌بافت و می‌دوخت».

سفید، رنگ ورزنه است. نه فقط رنگ چادر زن‌ها، دور تا دور این شهر بر است از زمین‌هایی که انگار دست‌هایی ناشیانه روی آنها رنگ سفید پاشیده است. ورزنه‌ای‌ها، این زمین‌ها را پنبه کاشته‌اند و زن‌ها پنبه همین کشتزارها را می‌کشند به جان دوک‌ها می‌ریسند پنبه‌ها را تا نخ شسوند و نخ‌ها را می‌بافند و می‌بافند و می‌بافند... «هرا»، درهای یک خانه در میدان اصلی ورزنه را می‌گوید، جایی که می‌گویند زن خانه پارچه‌بافی می‌کنند، به شیوه سنتی، زن خانه، نامش «فاطمه» است. دوک نخ را از چرخ پنبه‌ریسی بیرون می‌کشند، چند پله را پایین می‌رود و از در کوچکی در انتهای حیاط وارد حیاط خلوتی می‌شود که سقفش را با یونولیت پوشانده‌اند، کف حیاط گودالی به عمق نیم متر و شعاع یک متر کنده‌اند و بالای این گودال سنگ‌هایی هست که زنان ورزنه‌ای به آن می‌گویند: «کارگاه». فاطمه پایش را در گودال می‌گذارد و روی لبه آن می‌نشیند، سبید

خبر

آزادی‌اعلان مرگ پلنگ ایرانی در بردسیر باقرار وثیقه

شهروند | اعلان مرگ پلنگ ایرانی در دشت ماهانک بردسیر دستگیر و تحویل مقامات قضایی شدند و در حال حاضر باقرار وثیقه آزاد هستند اما پرونده آنها همچنان باز است.

محمود صفرزاده، مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان کرمان با اعلام این مطلب گفت: از یکسال قبل نمایه و اناری از حضور پلنگ در این زیستگاه وجود داشت که اقدامات حفاظتی را انجام دادیم زیرا در این منطقه آهو، میش، بز و گوسفندخوران دیگری نیز وجود دارد.

او بیان کرد: بر اثر بارندگی‌های اخیر و سردی هوا این پلنگ به دامنه تپه‌ها و دشت با به قصد شکار و یافتن طعمه‌ای آماده، نزدیک گله شده و در حالی که هنوز آسیبی به گله نرسانده بود چوپان گله به یکی از دامداران خبر می‌دهد.

صفرزاده گفت: دامدار به دلیل اطلاع نداشتن از حیات وحش نسبت به این حضور پلنگ ایرانی واکنش نشان می‌دهد و با خودرود به دنبال این حیوان می‌افتد و با این کار پلنگ را بسیار می‌داند که در نهایت پلنگ به اقدامات حفاظتی را انجام دادیم زیرا سر، دست و پا آسیب جدی می‌بیند و سپس تلف می‌شود. مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان کرمان افزود: اگر فرض کنیم گونه نادری از حیوانات به دامی حمله و آن را تلف کرد نباید از حیوان را نابود کنیم، دامداران مطمئن باشند که طبق روند قانونی خسارت آنها پرداخت می‌شود و با تأکید بر آشتی کردن مردم با حیات وحش و طبیعت گفت: عوام فکر می‌کنند یوزپلنگ آسیایی از درنده‌ترین حیوانات است در حالی که به هیچ وجه این گونه نیست. صفرزاده افزود: نوزاد امسال محیط‌بانان در قالب گروه‌های کشیک در زیستگاه‌های حساس و به‌ویژه مناطق حفاظت‌شده کار حفاظت را بر عهده داشته‌اند که در مواردی شروع به شکار و نفوذ به زیستگاه‌ها اتفاق افتاد و مأموران ما قبل از این که تیری شلیک شود و حیوانی آسیب ببیند از آنها حفاظت و صیانت کردند. او اظهار کرد: نوزاد امسال زنده‌گیری چند مورد شامل کبک، تیهو، بره و کره اتفاق افتاده بود که از طریق خوداظهاری باشناسایی آنها خوشبختانه اتفاق خاصی برای این گونه‌ها روی نداد.

او با تأکید بر این که تک تک مردم باید برای حفاظت از حیات وحش پهای کار باشند، افزود: همیاران و محیط‌بانان دل در گرو حفاظت محیط‌زیست دارند. مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان کرمان گفت: کودکان را از حیات وحش نترسانیم زیرا این ترس در بزرگسالی موجب می‌شود به حیوانات صدمه بزنند. او تصریح کرد: ترس از حیوانات در دوران کودکی در روحیه آنها باقی می‌ماند و در برخی موارد در بزرگسالی ممکن است با همین ترس اقدام به نابودی حیوانات کنند. او گفت: اگر کودکانمان از آموزش همیم و به آنها بگویم حیوانات چاره‌ای از طبیعت و حیات وحش هستند و باید باشند تا نقش خود را در این محیط ایفا کنند. خطرات وارده به این حیوانات کمتر خواهد شد. صفرزاده افزود: رسانه‌ها نقش مهمی در اطلاع‌رسانی دارند. ما گاهی نادانیم در زمینه حفاظت از حیات وحش و طبیعت بر عهده دارند. او گفت: دامداران باید بدانند پلنگ کاری به گله آنها ندارد و نباید چوپان با دیدن یک پلنگ هراسان شود و اقدام به کشتن حیوان کند. او بیان کرد: همچنین باید همه بدانند یوزپلنگ حیوانی ترسو، خجالتی و نجیب است و کاری به انسان ندارد. او یکی از همکاران ما مدتی پیش از یک یوزپلنگ به همراه توله‌هایش از اطلاع‌رسانی خبر گرفت. مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان کرمان افزود: یوزپلنگ کاری به انسان ندارد. مگر این که این حیوان احساس کند می‌خواهند به او آسیب برسانند که ممکن است در قبال آن واکنش نشان دهد. او تصریح کرد: همچنین هم دشمن طبیعی دارند و هم حیوانات دیگر را شکار می‌کنند و این اتفاق باید وجود داشته باشد تا تعادل اکولوژیست برقرار باشد. مرکز شهرستان بردسیر در فاصله ۶۱ کیلومتری کرمان است.

● ● ●

شکایت ۲۵ هزار نفری از فیس یوک

نخستین جلسه استماع سخنان ۲۵ هزار شاکای پرونده شکیه مجاری «فیس یوک» برگزار شد. به گزارش خبر آنلاین به نقل از دیپوئه وله، نماینده کل گروهی متشکل از ۲۵ هزار کاربر فیس یوک، با حضور در این جلسه که در وین پایتخت اتریش برگزار شد، به شرح دلایل طرح این شکایات پرداختند. این گروه بر این باورند که فیس یوک، خلاف قوانین صیانت از داده‌های شخصی در اروپا، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات شخصی کاربران و تقسیم آنها با دیگر نهادهای دولتی و غیردولتی کرده‌است. آنها خواستار پرداخت غرامت ۵۰۰ یورویی به هر کاربر فیس یوک هستند. ماکس شرمس، مبتکر طرح این شکایت، در پایان نخستین جلسه خطاب به خبرنگاران گفت: «باید از داده‌های مجاری حفاظت شود. دعوی قضایی ما حول مسأله امتیازات انحصاری است. در حال حاضر کاربران اگر می‌خواهند در دنیای مجاری فعال باشند چاره‌ای جز استفاده از فیس یوک، واتس‌آپ، اپل و گوگل و قبول شرایط این شرکت‌ها ندارند و این مناسفانه خلاف قوانین بنیادین ماست. من برای احقاق این حقوق است که مبارزه می‌کنم. دعوی قضایی من شخصی نیست». قاضی دادگاه وین، پس از آن که به مدت ۴ ساعت به سخنان شاکیان و وکلای فیس یوک گوش داد، گفت که پنبش از آغاز تابستان اعلام خواهد کرد آیا این طرح دعوا از منظر قضایی قابل بررسی است یا خیر.



زنان در زمجر و فردا ورزنه



فاطمه خانم ای که کار پارچه‌بافی